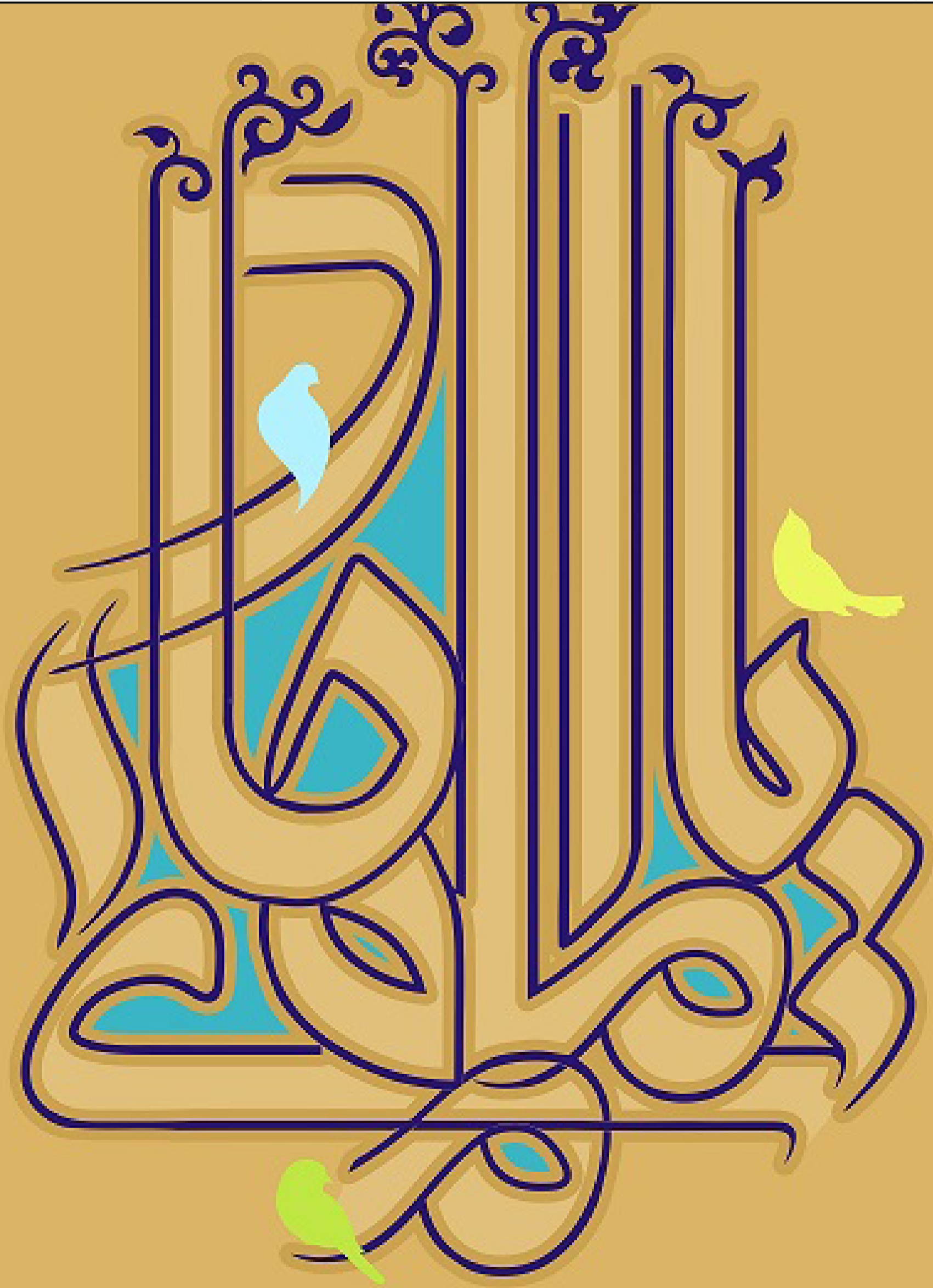




دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ویژه نامه ولادت امام هادی (ع)



آقا بدون نور تو حتی فرشته هم

گمراه می شود؛ به هدایت می رسد

صلوات خاصه امام هادی (ع)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَ خَلْفِ أُمَّةِ الدِّينِ وَ الْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَتَشْرِقْ بِالْجَزِيرِ مِنْ تَوَائِكَ وَ أَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَ حَذَرِ تَأْسُكَ وَ ذَكْرِ بَأْيَاتِكَ وَ أَحَلِّ خَلَائِكَ وَ حَرِّمْ حَرَامَكَ وَ بَيِّنْ شَرَّكَ وَ فَرِّضْ عَلَى عِبَادَتِكَ وَ أَمِرْ بِطَاعَتِكَ وَ نَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ فَضَّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ».

«خدايا درود فرست بر علی بن محمد، جانشین اوصیا و پیشوای پرهیزگاران و یادگار امامان دین و حجت بر همه آفریدگان. خدايا چنان که او را نوری قرار دادی، که مؤمنان به وسیله او روشنی جویند، پس به پادشاه فراوانت مژده داد و به کیفر دردناکت بیم داد و از صولت برحذر داشت و آیات را به یاد مردم انداخت و حلالیت را حلال و حرمت را حرام کرد و قوانین و واجبات را بیان فرمود و مردم را به بندگیات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد و از نافرمانیات بازداشت، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیای و نسل پیامبران فرستادی، ای معبود جهانیان». (بحار الأنوار، مجلسی، ج ۹۱، ص ۷۷)

ولادت بدر ذی الحجّه

امام علی نقی (ع) در نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ هجری در دهکده «صریا» از مدینه متولد شد. ایشان فرزند بزرگوار امام جواد (ع) می باشد که از بانوی بافضیلتی چون سمانه مغریبه معروف به سیده ام الفضل متولد شد. (رک: مناقب آل ابی طالب (ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۴۰۱) اسم ایشان با کنیه ابوالحسن می باشد. (کشف الغمّه فی معرفه الأئمه، اربلی، ج ۲، ص ۳۷۴) قابل توجه است که به امام هادی (ع) «ابوالحسن ثالث» می گویند. زیرا ابوالحسن مطلق امیرالمؤمنان (ع)، امام کاظم «ابوالحسن اول»، امام رضا (ع) «ابوالحسن دوم» و امام هادی (ع) «ابوالحسن سوم» می باشد. (زندگی عسکریین حضرت امام علی نقی و امام حسن عسگری (ع) و تاریخچه سامرا، صحاب، ص ۱۰) ایشان دارای القاب فراوانی همچون مرتضی، هادی، عسکری، عالم، دلیل، موضح، رشید، شهید، وفی، نجیب، متقی، متوکل، خالص می باشد (دلایل الإمامة، طبری آملی صغیر، ص ۴۱۱)

در برخی منابع این گونه نقل شده که لقب متوکل مشهورترین لقب ایشان بوده که آن حضرت از یارانش می خواست که ایشان را به این لقب نخوانند. چون خلیفه ی عباسی معاصر به این لقب خوانده می شد. (مسند الامام الهادی، عطاردی، ص ۱۷)

همسر امام هادی (ع) حدیث، سلیل (کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ص ۳۰۷) ام الحسن نام داشت. (زندگانی امام علی نقی الهادی (ع)، حسین اصفهانی، ص ۳۷۲) وجه تسمیه مادر امام به «سلیل» به خاطر پر برکت بودن وجود ایشان و عظمت وی نزد امام هادی و عسگری (ع) بوده است. نام های دیگر ایشان ریحانه، سوسن، جده، حکیمه و محدثه می باشد. (قهرمانی نژاد، سمانه، حدیثه، نرجس خاتون مادران گرامی امام هادی، امام عسگری ...، ص ۵۱)

در شمار فرزندان امام علی نقی (ع) اختلاف هست. یکی از فرزندان برجسته امام (ع) امام حسن عسگری (ع) می باشد. (الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید، ج ۲، ص ۳۱۳)

از دیگر فرزندان امام (ع)، سید محمد است که دارای کرامات و فضائل می باشد که کتاب هایی درباره کرامات وی نوشته شده از این رو، وی نه تنها نزد شیعه بلکه نزد اهل سنت و اعراب بادیه هم از جایگاه رفیعی برخوردار است. به گونه ای که هرگز قسم دروغ به او نمی خوردند و پیوسته از اطراف برای او نذر می برند و مرقدش فضل الخصومه بسیاری از اختلافات است؛ چرا که وقتی امر منتهی به قسم به امام زاده محمد می شود منکر از قسم خوردن نکول می کند و حق را به طرف دعوا می دهد، مبادا مورد خشم و نفرین آن بزرگوار قرار گیرد. (رک: تاریخ زندگانی امام هادی (ع)، رفیعی، ج ۱، ص ۱۵) شایان ذکر است که به دلیل عظیم الشان بودن ایشان، شیعیان فکر می کردند سید محمد، امام بعدی، ایشان هست؛ از علی بن عمرو نوفلی نقل شده که: «همراه ابی الحسن (ع) در حیاط منزلشان بودیم که پسرش محمد از جلوی ما گذشت. گفتیم: فدایت شوم، آیا امام ما بعد از شما این است؟ امام در جواب من فرمود: نه، امام شما بعد از من، حسن است». (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۲۶)

همان طور که ذکر شد. از میان فرزندان امام هادی (ع)، امام حسن عسگری (ع) به عنوان امام بعدی شیعیان می باشد. سید محمد نیز مورد علاقه امام (ع) بوده و به دلیل فضائل و امتیازاتی که داشته است نزد شیعیان جایگاه ویژه ای دارد که در منابع مختلف از کرامات ایشان یاد شده است.

درباره امام (ع)

زندگی امام (ع) سرشار از فضیلت بود و رحمت و مهربانی امام (ع) سایرین را در بر می گرفت. آن گونه که مردم زمان به آن اعتراف داشتند و اکنون



نگاره‌ای از سینه‌ای که در روز چهارم آبان ماه تبریز در دستش برده شد. پیش از این در روز ۱۳ شهریور در تبریز برای مدافعت در روز ۲۳ شهریور در تبریز

تاریخ و متون بازگوکننده آن حقایق می باشد. در این زمینه همچنین می توان به سخنان ارزشمند سایر ائمه (ع) در مورد امام هادی (ع) مراجعه داشت.

۱. امام عصر (عج) و امام هادی (ع)

امام زمان (ع) امام هادی (ع) را این چنین توصیف کرده است: «وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ ... بِالْإِمَامِ مَنْحَةَ الْجَبَّارِ وَ وَالِدِ الْأُمَّةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ الَّذِي حَذَرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْذَرَ...». «و به تو تقرب می جویم... امام بزرگوار، هدیه الهی، پدر امامان پاک، حضرت علی بن محمد که در لشکرگاه دشمن به دنیا آمد و با پند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید...». (بحار الأنوار، مجلسی، ج ۹۲، ص ۳۸۴ - ۳۸۵)

دقت در مضمون سخن فوق بیان کننده این نکته است که مقوله هایی مانند امامت و صفاتش، هدیه بودن امام، پاک بودن، در لشکرگاه متولد شدن، موعظه و انذار دهنده بودن برای مردم و ... برای امام (ع) برشمرده شده است.

۲. زیارت جامعه یادگار امام هادی (ع)

زیارت جامعه کبیره یادگار امام هادی (ع) می باشد که از وجود امام هادی (ع) جاری شده است. در این زیارت مباحثی از قبیل آداب سخن گفتن با امام، عمل ائمه (ع) در برابر دین خدا، همراهی با حق، اعتراف به جایگاه ایشان توسط مردم، قبولی اعمال در قبال حب و پیروی ائمه (ع) و ... طرح شده است.

علامه مجلسی در توصیف این زیارت نامه آورده است که: «زیارت جامعه، از نظر سند، صحیح ترین زیارتها، از جهت محتوا، عمیق ترین، از نظر لفظ، فصیح ترین و از حیث معنی، بلیغ ترین زیارت نامهها و پر ارج ترین آن هاست...». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۴)

در این زیارت از جمله مطالبی که آمده است بحدیث هیبت و عظمت ائمه (ع) می باشد که امام هادی (ع) فرمود: «طَاطَأَ كُلُّ شَيْءٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ». «هر شریفی در برابر بزرگواری و شرافت شما سر فرود آورده و هر خود بزرگ بینی به اطاعت از شما گردن نهاده و هر زورگویی در برابر فضل شما فروتنی کرده و همه چیز برای شما خوار و ذلیل گشته است...». (البلد الامین و الدرر الحصین، کفعمی، ص ۳۰۳)

در فریز دیگری از زیارت جامعه کبیره امام (ع) می فرماید: «مَوْلَى لَا أُخْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أُلْبِغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هِدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حَجَجَ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَّ إِلَهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْعَيْثُ* وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ». «ای سرورانم! من نمی توانم ثنای شما را شماره کنم و به کنه مدح شما برسم و به توصیف منزلت شما دست یابم. شما نور برگزیدگان و هدایتگر نیکان و حجت های خداوند جبار هستید. خداوند به سبب شما هر کاری را آغاز می کند و پایان هر کاری را به سبب شما مقرر می فرماید و در پرتو وجود شما باران فرو می ریزد و با شما آسمان را نگاه می دارد تا مگر به ان او فرو نیفتد». (من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، ج ۲، ص ۶۱۵)

از این رو می توان این گونه بیان کرد که در زیارت جامعه به جایگاه امامت در تشیع و ادامه آن مسیر یعنی مهدویت اهتمام تام شده است.

۳. شرافت و بزرگی امام (ع)

عظمت و فضل ائمه (ع) همیشه مورد توجه بوده تا آن جا که تاریخ انسانیت نمونه های فراوانی را ارائه داده است. در زندگی امام هادی (ع) نیز این امر زبان زده بوده است. که در این قسمت به ذکر یک مورد

اکتفا می شود:

محمد بن حسن اشتر علوی نقل کرده که: «با پدرم بر در خانه ی متوکل بودیم و جمعی از آل ابوطالب، آل عباس و آل جعفر نیز حضور داشتند. امام هادی (ع) وارد شد. تمامی آنان که بر در خانه ی متوکل حضور داشتند، به احترام آن حضرت از اسب پیاده شدند. امام (ع) داخل خانه شد. بعضی از حاضران به بعضی دیگر گفتند: چرا باید برای این نوجوان از مرکب پیاده شود؟ او نه از ما شریفتر است و نه سنش از ما بیشتر است. سوگند به خدا برای او پیاده نخواهیم شد.

ابو هاشم جعفری گفت: به خدا سوگند وقتی نگاهتان به او بیفتد با کوچکی و خواری برای او پیاده خواهید شد. طولی نکشید که امام هادی (ع) از دربار متوکل بازگشت. چون نگاه حاضران به آن حضرت افتاد بی اختیار از اسب ها پیاده شدند. ابو هاشم گفت: مگر نگفتید پیاده نمی شویم؟ گفتند: به خدا سوگند نتوانستیم خودداری کنیم؛ بگونه ای که بی اختیار از مرکب ها پیاده شدیم!». (إعلام السوری بأعلام الهدی، طبرسی، ص ۳۶۱)

۴. حرزی از امام علی نقی (ع)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَزِيزَ الْعَزْ فِي عَزِّهِ مَا أَعَزَّ عَزِيزَ الْعَزْ فِي عَزِّهِ يَا عَزِيزَ عَزْرَنِي بِعِزِّكَ وَ أَيْدِي بِنُصْرِكَ وَ أَدْفَعْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَدْفَعْ عَنِّي بِدَفْعِكَ وَ أَمْنَحْ عَنِّي بِضِعْبِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا فَرْدًا يَا صَمَدًا».

«به نام خداوند رحمتگر مهربان، ای که عزتش عزیز در عزتش، چه عزیز است آن که عزتش عزیز است در عزتش، ای عزیز، عزیزم گردان به عزت و تأییدم کن به یاری ات و وسوسه های شیطان را از من دور کن و دفاع کن از من به دفاعت و بازدار از من به کردارت و مرا از خوبان بندگانت گردان، ای یگانه، ای یکتا، ای تنها، ای بی نیاز...». (مهج الدعوات و منهج العبادات، ابن طاووس، ص ۴۴)

۵. تسبیح امام هادی (ع)

در مورد تسبیح امام علی نقی (ع) راوندی در کتابش آورده است که تسبیح امام (ع) در روز چهاردهم و پانزدهم این است: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ». «پاک و منزّه است خدایی که همیشه هست و فراموش نمی کند، پاک و منزّه است خدایی که قائم است و بیهوده عمل نمی کند، پاک و منزّه است خدایی که بی نیاز است، و محتاج نمی شود، خدا را پاک و منزّه می شمارم و ستایشش می کنم...». (الدعوات، راوندی، ص ۹۴)

۶. نقش نگین انگشتر

درباره نقش خاتم امام علی نقی (ع) این گونه آمده است که در سه سطر می باشد: «ما شاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ». (دلایل الإمامة، طبری آملی صغیر، ص ۴۱۱)

۷. امام (ع) در لسان رهبری

«زندگی امام هادی (ع) یک زندگی سراسر مقاومت و مبارزه است، خصوصیات این امام بزرگوار عبارت است از: مرگ در جوانی، جهاد در سراپای عمر، کوشش در راه خدا، بی قید و شرط، نهراسیدن از مشکلات، ترسیدن از قدرت ها و قدرتمندها، وقار و سکینه ی در راه

۸. امام و گسترش فرهنگ

امام هادی(ع) خدمات علمی و فرهنگی زیادی به جامعه اسلامی و شیعه ارائه نمود. نوشته‌های حدیثی متعددی مانند «رسالة الرد علی أهل الجبر والتفویض» و ... به ایشان منسوب است. (تدوین السنه الشریفه، حسینی جلالی، ص ۱۸۳)

از امام هادی(ع) ... ابعاد شخصیت معنوی و الهی امام(ع) در کرانه های جهان طبیعت تجلی کرده تا آن جا که ایشان سرآمد مردم زمان در خداترسی، تقوا، علم و بینش، بخشندگی، بردباری و ... بوده اند.

تشریح و توضیح هر یک از این فضایل زمان زیادی می خواهد. درک و به کارگیری این امتیازات اخلاقی نیز به فراخور انسان ها متفاوت می شود و با توجه به بعد جسمی انسان شاید عمر انسان منتهی به درک کامل این معارف نگردد.

در این متن نیز به تناسب زمان و نوشتار به ذکر گوشه ای از فضایل و سخنان ایشان اکتفا می شود.

۱. نگرش به دنیا

دنیا مکان موقتی برای انسان ها می باشد تا در این بازه کوتاه و گذرا، نیازمندی های واقعی خود را برطرف کنند و به سوی منزل ابدی گام بردارند. از این جهت در سخن و زندگی ائمه(ع) رهنمودهای فراوانی در این باره وارد شده است که دقت در محتوا، مضامین و معارفی که به همراه دارند، به نوعی بیدار کننده و آگاهی دهنده برای قلب های سلیم و روح های متعالی می باشند.

امام(ع) ضمن سخن کوتاهی به فلسفه دنیا و آخرت اشاره کردند. که اهل بصیرت آن را دریافته و متناسب با درک معارف سخن ایشان، زندگی می کنند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَ الْأُخْرَةَ دَارَ عَقْبَى وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لثَوَابِ الْأُخْرَةَ سَبَبًا وَ ثَوَابِ الْأُخْرَةَ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عِوَضًا». همانا که خداوند دنیا را سرای امتحان ساخته و آخرت را سرای رسیدگی قرار داده است و بلای دنیا را وسیله ثواب آخرت و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است. (بحارالانوار، مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۶۵)

در همین راستا به سخن ارزشمند دیگری از امام(ع) اشاره می شود که فرمود: «الدُّنْيَا سَوْقٌ رَبِحَ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ»، «دنیا بازاری است که گروهی در آن سود و گروهی دیگر زیان بردند». (بحار الانوار، مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۶۶)

۲. شکوه از ایام

انسان موجودی با روحیات و ظرفیت های مختلف می باشد. گاهی در دوران زندگی به سمت پیروزی، خواسته ها و آرزوها می رود و گاهی سختی، تنگنا و حوادث به او روی می آورد که در این دو قضیه باید نسبت به صبر و مدارای بیشتر، تمرین داشته باشد.

به این صورت که با بروز خوشی و موفقیت خیلی خوشحال نشود و با پدید آمدن رنج و مشقت آستانه تحمل را بالا ببرد و زبان به شکوه نگشاید. گاهی دیده می شود که بروز رنج و سختی وی را به شکوه از روزگار و می دارد. حال آن که در برخی مصیبت ها و ناخوشایندها انسان و عملش دخیل است.

از این رو نسبت به شکوه از روزگار، امام هادی(ع) سخن مفصلی دارد که در ذیل به آن اشاره می شود. در این سخن، امام(ع) در عین توصیه به رفتار هنگام مواجه با سختی ها، عمل انسان را نیز مورد توجه داشته است.

حسن بن مسعود می گوید: «به محضر مولایم حضرت ابوالحسن الهادی(ع) رسیدم. در آن روز چند حادثه ای ناگوار و تلخ برایم رخ داده بود؛ انگشتم زخمی شده و شانام در اثر تصادف با اسب سواری صدمه دیده و در یک نزاع غیر مترقبه لباس هایم پاره شده بود. به این خاطر، با ناراحتی تمام در حضور آن گرامی گفتم: عجب روز شومی برایم بود! خدا شَرّ این روز را از من باز دارد! امام هادی(ع) فرمود: «يَا حَسَنُ هَذَا وَ أَنْتَ تَقْشَانَا تَرْمِي بِذَنْبِكَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»، «ای حسن! این، با اینکه تو با ما هستی، گناهت را به گردن بی گناهی می اندازی! [روزگار چه گناهی دارد!]»

حسن بن مسعود می گوید: با شنیدن سخن امام(ع) به خود آمدم و به اشتباهم پی بردم. گفتم: آقای من! اشتباه کردم و از خداوند طلب بخشش دارم. امام فرمود: ای حسن! روزها چه گناهی دارند که شما هر وقت به خاطر خطاها و اعمال نادرست خود مجازات می شوید، به ایام بدبین می شوید و به روز بد و بیراه می گوید! حسن گفت: ای پسر رسول خدا! برای همیشه توبه می کنم و دیگر عکس العمل رفتارهایم را به روزگار نسبت نمی دهم. امام در ادامه فرمود: «يَا حَسَنُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَ الْمُعَاقِبُ وَ الْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَ آجِلًا»، «ای حسن! به طور یقین خداوند متعال پاداش می دهد و عقاب می کند و در مقابل رفتارها در دنیا و آخرت مجازات می کند». (بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۶، ص ۲)

۳. پاسخ امام(ع) به سجده بر شیشه

جمیع فقهای شیعه شرط کرده اند که سجده بایستی بر زمین یا روئیدنی های آن باشد ولی خوردنی ها و پوشیدنی ها را از آن استثنا کرده اند و سجده بر آنها را جایز نمی دانند چه عملاً خوردنی و پوشیدنی باشند و چه امکان پوشیدن و خورده شدن را داشته باشند.

فقها سجده بر شیشه را نیز جایز نمی دانند و مستند آنان روایات متضافر ائمه(ع) است از جمله این روایت است که: محمد بن حسین نقل می کند: «یکی از یارانمان نامه ای به امام نوشت و حکم سجده بر شیشه را جویا شد لیکن پس از ارسال نامه به فکر فرو رفت و پنداشت شیشه نیز جزء روئیدنی های زمین است و نیازی به پرسش از امام(ع) نیست. (زندگانی امام علی الهادی(ع)، شریف قرشی، ص ۹۲ - ۹۳)

امام پاسخ فرستاد که: «لَا تُصَلِّ عَلَى الرَّجَاحِ وَ إِنْ حَدَّثَكَ نَفْسُكَ أَنَّهُ مِمَّا أَنْبَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْمَلِحِ وَ الرَّمْلِ وَ هُمَا مَسْجُوحَانِ»، «بر شیشه سجده نکن اگر چه به ذهننت خطور کرده است که از روئیدنی های زمین است، لیکن شیشه از نمک و شن به وجود آمده است و این دو تغییر کل داده اند و مسخ شده اند». (کافی، کلینی، ج ۶ ص ۲۰۴)

سیره تربیتی امام(ع)

یکی از ابعاد مهم زندگی امامان(ع) توجه به تربیت فرزندان، یاران و مردم بوده است که نسبت به فرزندان به نکات ظریفی اهتمام داشته اند. به گونه ای که مطالعه منابع مربوط به سیره ایشان به خوبی این امر را نشان می دهد. نسبت به یاران و مردم نیز در موقعیت های مختلف به روش هایی که متناسب با آن شرایط، زمان، افراد و روحیات بود به ترویج فضایل اخلاقی و اصلاح امور تربیتی - اخلاقی اقدام می کردند.

در زندگی امام علی النقی(ع) نیز این بعد پررنگ بوده است. از آن جا که تربیت با اصول و معیارهای خاصی همراه است که نباید از آن ها غفلت شود در این قسمت به اختصار به دو اصل از اصول تربیتی اشاره می شود.

۱. توجه به الگو

الگوها نقش مهمی را شکل گیری شخصیت فرزندان ایفا می نمایند از این رو هر چه الگوها از معیارها و اصول تربیتی بیشتر برخوردار باشند، در

ویژه نامه ولادت امام هادی(ع)

تامین آینده فرزندان موثرتر می باشند.

امام(ع) در زیارت جامعه کبیره می فرماید: «السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوَى النَّهْيِ وَ أَوْلَى الْحَجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَلِكِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَ حَجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْأُخْرَةَ وَ الْأَوْلَى»، «سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ های ظلمت و نشانه های پرهیزکاری و صاحبان خرد و دارندگان عقل و پناه مردم و وارثان انبیا و سرمشق برتر و دعوت کنندگان نیکو و محبت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و سرای نخستین». (من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، ج ۲، ص ۶۱۰)

در این فرز از زیارت جامعه کبیره، در واقع امام(ع) از ائمه هدی(ع) به عنوان یکی از الگوهای تربیتی یاد کرده است که با اوصاف و نیکی هایی که دارند نقش خاصی در هدایت، دوری از ضلالت و .. ایفا می نمایند.

۲. به کارگیری تمرین و تکرار

سیره تربیتی امامان(ع) در عین آن که با گفتار و عمل توأمان بود. از استمرار برخوردار بود. در سخنان خود نیز بر این اصل یعنی تکرار و مداومت تکیه داشتند. چنان که در روایتی آمده است که محمد بن ربیع می گوید: «به امام هادی(ع) نامه نوشتم و از او خواستم که برای سختی ها و حوادث و حوایج مهمم و برآوردن حاجات دنیا و آخرت، دعایی به من بیاموزد؛ همان گونه که پدران بزرگوار او به شیعیان خود می آموختند. امام در پاسخ نوشت: ملازم استغفار باش و بر آن مداومت کن». (الدعوات، قطب الدین راوندی، ص ۴۹)

در این نقل امام(ع) مداومت بر استغفار را عامل مهمی در نجات انسان، رهایی از حوائج، رفع نیازهای دنیوی و اخروی می داند. از این رو وی را به مداومت در استغفار توصیه و تشویق می نماید.

با توجه مداومت و نقش سازنده ای که در استغفار دارد، می توان این گونه بیان داشت که مداومت در هر امری به ویژه امور حسنه و نیک سبب رشد فرد می شود و در دراز مدت فرد را به آثار مداومت آگاه می نماید. در مقوله تربیت نیز والدین باید نسبت به نهادینه کردن امور اعتقادی و اخلاقی با صبر، فرزندان را همراهی نمایند تا به نتایج مد نظر دست یابند.

زندگی در عهد خلفا

دوران زندگی امام(ع) با حکومت معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز و معتمد مقارن بود که در اواخر دوران حکومت معتمد (مناقب آل ابی طالب(ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۴۰) در سال ۲۵۴ هجری به شهادت رسیدند. (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، ج ۲، ص ۲۹۷).

سال هایی از زندگی امام(ع) که با حکومت متوکل عباسی مقارن بود. در واقع امام(ع) طاقت فرساترین رنج ها را در این دوران تحمل نمود. (زندگانی امام علی الهادی(ع)، شریف قرشی، ص ۲۵۸)

متوکل امام را محترمانه از مدینه به سامرا تبعید کرد و ایشان را در منزلی در کنار اردوگاه نظامی خویش جای داد و تا پایان عمر یعنی سال ۲۵۴ق در همان محل اقامت داشت. (پیشوای دهم حضرت امام علی بن محمد الهادی، هیئت تحریریه موسسه در راه حق، ص ۱۳)

سامرا شهری بین بغداد و تکریت در شرق دجله است که اطرافش بسیار وسیع بود. (زندگانی امام علی النقی الهادی(ع)، حسین اصفهانی، ص ۳۷۲) در برخی منابع در معرفی مکان زندگی امام(ع) از «سر من رای» یعنی سامرا استفاده شده است.

همچنین وقتی زندگی امام هادی و امام حسن عسگری(ع) را مطالعه می کنیم، غالباً در عناوین و متن منابع با اصطلاح «عسکرین» مواجه می شویم. در مورد این نامگذاری این گونه آمده است که آن ها در محله ای که در سامرا موسوم به عسکر بوده، سکونت داشتند. (رک: معانی الأخبار، ابن بابویه، ص ۶۵)

همزمان با دوران امامت ایشان قدرت عباسیان در حال سقوط بود و امنیت و آرامش از جامعه رخت بر بسته و هرج و مرج وحدت جامعه و نظام را از هم گسیخته بود. (زندگانی امام علی الهادی(ع)، شریف قرشی، ص ۳۱۶)

دستگاه خلافت نیز امام(ع) را به شدت تحت نظر داشت و فعالیت های ایشان را رصد می کرد. در این دوران امام(ع) در تامین مصالح شیعیان از روش های مختلفی در برخورد با آن ها استفاده می کرد.

از ویژگی های بارز امام(ع) این بود که به هنگام سکوت، شکوه هیبت و تشعشع وقار چهره ایشان را در برمی گرفت و چون لب به سخن می گشود گزیده و نغز بود به طوری که شعاع کلامش روح آدمیان را سحر می کرد. (امام هادی(ع) قهرمان شکست ناپذیر عصر متوکل، دریایی، ص ۹۸) از دیگر ابعاد رفتاری امام(ع) برخورد باشکوه و آموزنده ایشان با دشمنان بود است که به تبع در روش های مبارزاتی ایشان دخیل بود.

شرایط زمانه به گونه ای اقتضا می کرد که ایشان از تاکتیک های متفاوتی در پیشبرد اهداف جامعه مسلمین بهره بگیرند از این رو روش های مبارزاتی امام هادی(ع) عبارت بود از: نفوذ در میان دولتمردان، پاسخ به پرسش های علمی، سازماندهی مبارزات سری، مبارزه با اندیشه های انحرافی، احیای فرهنگ غدیر و امامت و بهره گیری از موقعیت ها که ایشان از حل مشکل، دانش سرشار و رفتار کریمانه به عنوان راه نفوذ استفاده می کرد. (رک: حوزه نت)

